

رابطه سبک های هویت و نقش های جنسیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی □

The Relationship between Identity Style, Gender Role and Marital Satisfaction in Married Couples □

Mona Maaref, M.Sc. ✉

Shiva Khalili, Ph. D.

Elaheh Hejazi, Ph. D.

Masoud Golamali Lavasani, Ph. D.

منا معارف*

دکتر شیوا خلیلی*

دکتر الهه حجازی*

دکتر مسعود غلامعلی لواسانی*

Abstract

چکیده

The purpose of this research was to study the relation between identity styles, gender roles and marital satisfaction in married couples. 200 heterosexual couples (400 individuals) were selected by cluster sampling among married Bank employees in Tehran and completed the Bem Sex Role Inventory (1974), the Identity Style Inventory - 4 (2007) and the Enrich Couple Scale (1989). The method for data analysis was correlation method. Findings showed that there were significant relations between identity styles, gender roles and marital satisfaction. The significance of these relations were different in two genders; i.e. there was a direct relation between feminine gender role and marital satisfaction in men, while such a relation was not significant in women.

هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک های هویت زوجین و نقش های جنسیتی با رضایتمندی زناشویی است. به این منظور ۲۰۰ زوج (۴۰۰ نفر) به روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای از بین کارمندان متأهل شاغل در شعب بانک پارسیان شهر تهران انتخاب شدند. برای گردآوری داده ها از سیاهه های نقش جنسیتی بم (۱۹۷۴)، سبک های هویت؛ فیلیپس و همکاران (۲۰۰۷) و مقیاس زوجی اینریچ (۱۹۸۹) استفاده گردید. جهت تحلیل داده ها، روش همبستگی به کار گرفته شد. یافته ها نشان می دهد که بین سبک های هویت زوجین، نقش های جنسیتی و رضایتمندی زناشویی رابطه معنادار وجود دارد و معناداری برخی از این روابط در دو جنس متفاوت است. نتایج همبستگی نشان می دهد در مردان بین نقش جنسیتی زنانگی و رضایتمندی زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد، در حالی که چنین رابطه ای در زنان معنادار بدست نیامد.

Keywords: identity style, gender role, marital satisfaction

کلیدواژه ها: سبک هویت، نقش جنسیتی، رضایتمندی زناشویی

□ Faculty of Psychology and Educational Sciences
University of Tehran, I.R.Iran

✉ Email: mona.maaref@yahoo.com

□ دریافت مقاله ۱۳۹۰/۱۲/۱۵، تصویب نهایی ۱۳۹۳/۲/۲۸

* دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

● مقدمه

هنگامی که افراد زندگیشان را به یکدیگر پیوند می‌زنند به معنای آن است که مسیر مشترکی را جهت ادامه آن انتخاب کرده‌اند. این افراد هر یک به زندگی دیدگاهی دارند که تحت تأثیر آن، آمال و آرزوهایشان را تعیین می‌کنند. از آنجا که دیدگاه هر شخص از دیگری متفاوت است، وجود تفاوت میان افراد امری اجتناب‌ناپذیر است (مک کالوم و دلاشموت، ۱۹۹۶). اما این تفاوت‌ها همیشه به معنای تعارض و در نتیجه نارضایتی و ناکامی در روابط زوجین نمی‌باشد. «جنسیت»^۱ و «سبک های هویت»^۲ از جمله عوامل مؤثری است که در تعیین دیدگاه افراد نقش دارد. از آن جا که نقش‌های جنسیتی تابع بافت و شرایط اجتماعی هستند، با گذر زمان و تغییر جوامع، دچار دگرگونی می‌شوند (خمسه‌ای، ۱۳۸۵). از نیمه قرن دوازدهم تا قرن چهاردهم شمسی به دلیل ارتباط وسیع تر ایران با تمدن صنعتی غرب، به تدریج تغییراتی در ساختار اجتماعی - اقتصادی جامعه رخ داد (جاراللهی، ۱۳۷۲ به نقل از آذربایجانی، ۱۳۸۸) و بر اساس گزارش مرکز آمار ایران (۱۳۸۸)، این تغییرات همچنان تا زمان حال با توجه به گسترش وسایل ارتباط جمعی و افزایش سطح تحصیلات زنان ادامه یافته است که به دنبال آن شاهد افزایش اشتغال زنان در اجتماع هستیم. به عبارت دیگر زنان به ایفای نقش اجتماعی که پیش از این در حیطه وظایف مردان بوده است، قدم گذاشته‌اند. بر اساس «نظریه نقش اجتماعی»^۳ (ایگلی، ۱۹۸۷)، افراد با شرکت و ایفای نقش‌ها، خصوصیات مربوط به آن‌ها را کسب می‌کنند. لذا احتمال دارد با انجام نقش‌های اجتماعی و ورود به حوزه‌های مردانه، خصیصه‌های مردانگی در زنان تقویت شده باشد. یک چنین تغییراتی می‌تواند رضایتمندی زوجین را تحت تأثیر قرار داده و چالش‌هایی را در روابط آنان ایجاد کند. از آنجا که سبک های هویت رابطه تنگاتنگی با تصمیم‌گیری و حل مسأله دارد، به نظر می‌رسد که سبک های هویت زوجین می‌تواند بر راه‌های برخورد آن‌ها با این موقعیت تأثیر گذارد (برزونسکی، ۱۹۸۹). برزونسکی هویت را به عنوان «نظریه خود»^۴ مفهوم‌سازی کرد. از این نقطه نظر هر فرد به صورت فعالی هویت یا نظریه خود را می‌سازد (دونکل، ۲۰۰۰). برزونسکی (۱۹۹۰) مطرح کرده است که افراد در پایگاه‌های

هویت مختلف، از نظر فرایندهای اجتماعی- شناختی‌ای که برای حل مشکلات شخصی، تصمیم‌گیری و پردازش اطلاعات مربوط به خود به کار می‌برند، یا آنچه که برزونسکی از آن به عنوان سبک‌های هویت نام می‌برد (برزونسکی ۱۹۹۰، ۱۹۹۴ و ۲۰۰۴)، با هم متفاوتند. برزونسکی سه سبک پردازش هویت را عنوان می‌کند: «اطلاعاتی»، «هنجاری» و «سردرگم/اجتنابی». افراد دارای هویت هنجاری، در موضوعات و تصمیم‌گیری‌های هویتی، با انتظارات و دستورات افراد مهم و گروه‌های مرجع هم‌نوایی می‌کنند (برزونسکی و کوک، ۲۰۰۰) در صورتی که افراد با سبک هویت اطلاعاتی آگاهانه و به طور فعال به جستجوی اطلاعات و ارزیابی آن‌ها می‌پردازند و سپس اطاعات مناسب خود را مورد استفاده قرار می‌دهند (برزونسکی و آدامز، ۱۹۹۹) و در آخر افراد با هویت سردرگم-اجتنابی، تا حد ممکن سعی دارند از موضوعات هویت و تصمیم‌گیری بپرهیزند و معمولاً تصمیم‌گیری آن‌ها با ترس و اضطراب همراه است (برزونسکی، ۲۰۰۴). کوک و جونز (۲۰۰۲) در پژوهش خود، به این نتیجه رسیدند که زوجین با سبک‌های هویتی مشابه (بدون توجه به سبک هویت خاص) رضایتمندی بیشتری را در مقایسه با زوجین دیگر تجربه می‌کنند و در نهایت، پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که گزارش زنان از رضایتمندی زناشویی، بیش از مردان تحت تأثیر شباهت در سبک‌های هویت است. از دیگر پژوهش‌های انجام شده در این حوزه، پژوهش پارسونز و همکارانش (۲۰۰۷) است که نشان می‌دهد افراد با پایگاه هویت موفق رضایت زناشویی بیشتر و افراد با هویت دنباله‌رو رضایتمندی کمتری را گزارش کرده‌اند. عامل دیگری که با رضایتمندی زناشویی در ارتباط است، نقش‌های جنسیتی است. نقش‌های جنسیتی، مجموعه‌ای از باورهای مشترک فرهنگی درباره رفتار و صفات شخصیتی و سایر ویژگی‌های مردان و زنان است. روان‌بنه‌های نقش جنسیتی مجموعه‌ای از تداعی‌های مرتبط با جنسیت است که زمینه اصلی پردازش اطلاعات را بر اساس جنسیت نشان می‌دهد (بم، ۱۹۸۳). «نظریه روان‌بنه‌های جنسیتی»^۵ که توسط بم (۱۹۸۳) مطرح شد، ادعا می‌کند میزان استفاده هر فرد از روان‌بنه‌های جنسیتی به منظور درک و ارزیابی دیگران و همچنین برای هدایت رفتارشان متفاوت است. برخی از افراد به شدت رفتارها و نقش‌ها را به یک جنسیت مرتبط می‌دانند نه به جنسیت

دیگر، در حالی که افراد دیگر تمایل کمتری به درک رفتارها و نقش ها به عنوان رفتارها و نقش های خاص برای یک جنس دارند. /تاف و بریجز (۲۰۰۱)، چهار طبقه بندی از خصیصه های مربوط به جنسیت را که توسط بم صورت گرفته، ارائه داده اند:

۱. «زنانگی»: نمرات بالا در مقیاس زنانگی / بیانگر و نمرات پایین در مقیاس مردانگی / ابزاری.
۲. «مردانگی»: نمرات بالا در مقیاس مردانگی / ابزاری و نمرات پایین در مقیاس زنانگی / بیانگر.
۳. «دو جنسیتی»: نمرات بالا در هر دو مقیاس زنانگی و مردانگی.
۴. «نامتمایز»: نمرات پایین در هر دو مقیاس زنانگی و مردانگی. مک کریاری و همکارانش (۱۹۹۶) مطرح می کنند که عدم انعطاف پذیری نقش های جنسیتی سستی، می تواند نه تنها برای زن، بلکه برای مرد نیز مضر باشد. این امر تجربیات درون فردی مردان را به یک مجموعه کوچکی از انتخابات محدود کرده، که به موجب آن، مرد از هر گونه رفتارهایی که به نقش های جنسیتی زنانه شبیه است، اجتناب می کند. فالکنر (۲۰۰۲) نیز گزارش می کند شوهرانی که بیشتر نگرش های سستی به نقش های جنسیتی داشته اند، در طول زمان رضایتمندی زناشویی کمتری را تجربه کرده اند. سانچز-لویز، کولار-فلورس و درش (۲۰۱۲) نیز معتقدند مقاومت در حفظ نقش های جنسیتی سستی یا شکست در انجام این نقش ها به کاهش بهداشت روانی فرد منجر می شود. گارسیا و همکارانش (۲۰۰۷) جهت تعیین این که کدام یک از صفات برجسته زنانگی و مردانگی در رضایتمندی زوجین مهاجر نقش دارد، پژوهشی انجام داده اند. نتایج آن ها نشان داد گذر زمان و تحول فرهنگی باعث شده که زنان، در نتیجه مهاجرت شوهرانشان به مرزهای شمالی و ایفای همزمان نقش مادری و پدری، خصایص مردانگی را در خود رشد دهند. مردان نیز به دلیل احساس تنهایی به دنبال فرایند مهاجرت، ناچار شدند تا چگونگی ابراز احساسات را یاد بگیرند. سویتینگ و همکاران (۲۰۱۳) معتقدند چنانچه زنان نقش هایی را ایفا کنند که با نگرش آن ها نسبت به نقش های جنسیتی شان در تعارض باشد به ویژه در حوزه اشتغال و خانه داری، تنیدگی بیشتری در مقایسه با زنانی که چنین تعارضی را ندارند، تجربه می کنند. همانطور که ملاحظه می شود گذر زمان و تحولات فرهنگی می تواند در برخی از انتظارات و نقش های جنسیتی زنان و مردان، که بخشی از هویت آنان را تشکیل می دهد، در پردازش اطلاعات مرتبط با خود

و دیگران مؤثر بوده و در نتیجه در رضایتمندی و عدم رضایتمندی زوجین نقش داشته باشد. لذا هدف از پژوهش حاضر تعیین رابطه سبک های هویت و نقش های جنسیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی و همچنین شناسایی تفاوت های موجود میان زوجینی است که در دو گروه با رضایتمندی بالا و پایین قرار گرفته اند.

● روش

نمونه پژوهش حاضر، تعداد ۲۰۰ زوج است که از کلیه زنان و مردان متأهل کارمند در شعب بانک پارسیان شهر تهران به همراه همسرانشان به صورت تصادفی خوشه ای انتخاب شده است. ۹۰٪ زوجین هر دو شاغل و ۱۰٪ دیگر، مرد شاغل و زن خانه دار هستند. ۶۲/۵٪ از زوجین بدون فرزند، ۲۸/۵٪ دارای یک فرزند، ۸٪ دو فرزند و ۱٪ نیز دارای سه فرزند می باشند. میانگین طول زندگی مشترک زوجین ۴/۹۸ سال می باشد و میانگین سنی پاسخ دهندگان مرد و زن به ترتیب ۳۲/۰۶ و ۲۹/۹۲ است. نمونه گیری این پژوهش به روش خوشه ای تصادفی انجام گرفت.

● ابزار

□ الف: سیاهه نقش جنسیتی بم (BSRI): توسط ساندرز بم در سال ۱۹۷۴ تهیه شده است. فرم اصلی این سیاهه، شامل ۶۰ صفت یا عبارت توصیفی با سه زیر مجموعه زنانه، مردانه و خنثی می باشد. بعدها بنابر آزمون های مختلفی که در کشورهای متعدد انجام شد، بم این سیاهه را بر اساس معنادارترین گزینه ها به ۳۰ عبارت تقلیل داد. (۱۹۸۱) در تحقیقی ۲۸ دانشجوی مرد و ۲۸ دانشجوی زن را بررسی نمود. ضرایب اعتبار در زنان و مردان در بعد زنانگی به ترتیب ۰/۷۶ و ۰/۸۲ و در بعد مردانگی ۰/۸۶ و ۰/۹۴ به دست آمد. عبدی (۱۳۸۰)، برای اولین بار با استفاده از روش بازآزمایی، اعتبار سیاهه جنسیتی بم (فرم بلند ۶۰ ماده ای) در نمونه ایرانی را تأیید کرد. پژوهش حاضر نیز در کل، آلفای کرنباخ برابر با ۰/۸ و در خرده مقیاس های زنانگی و مردانگی، به ترتیب با ۰/۶۹ و ۰/۷۷ برابر است که حاکی از اعتبار مناسب آزمون می باشد.

□ ب. سیاهه سبک های هویت^۷ توسط فیلیپس و پیتمن (۲۰۰۷) برای سنجش سبک های هویت و تعهد هویت ساخته شده است و دارای ۳۳ ماده است که در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت از کاملاً در مورد من صدق می کند تا اصلاً در مورد من صدق نمی کند، نمره گذاری می شود. آن ها ضرایب اعتبار این مقیاس به روش بازآزمایی را برای سبک های اطلاعاتی، هنجاری و آشفته به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۵، ۰/۸۷ و از طریق روش آلفا برای عوامل مذکور در هشت نمونه از کشورهای آمریکا، هلند و بلژیک از ۰/۶۴ تا ۰/۷۷، از ۰/۶۵ تا ۰/۷۸ و از ۰/۷۵ تا ۰/۸۲ و برای تعهد هویت از ۰/۸۲ تا ۰/۸۴ گزارش نموده اند. رحیمی نژاد و همکاران (۱۳۸۹) اعتبار ویژگی های روان سنجی سیاهه را در نمونه ایرانی را تأیید کردند. در پژوهش حاضر، کل ضریب آلفای کرنباخ برابر با ۰/۶۹ و آلفای کرنباخ سبک هویت، هنجاری و سردرگم-اجتنابی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۶۲ و ۰/۶۶ است که حاکی از اعتبار مناسب آزمون می باشد.

□ ج. مقیاس زوجی اینریچ^۸ دارای ۳۵ ماده و ۴ خرده مقیاس رضایت، روابط زناشویی، حل تعارض و تحریف آرمانی می باشد. ضریب آلفای مقیاس برای خرده مقیاس های رضایت زناشویی، ارتباط، حل تعارض و تحریف آرمانی به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۸۴، ۰/۸۳ بوده است و اعتبار و بازآزمایی آن برای هر خرده آزمون به ترتیب ۰/۸۶، ۰/۸۱، ۰/۹۰، ۰/۹۲ بوده است و ضریب آلفای در پژوهش آسوده (۱۳۸۹) با تعداد ۳۶۵ زوج «۷۳۰ نفر» به ترتیب برابر است با ۰/۶۸ (با حذف سؤال ۲۴ آلفا ۰/۷۸ می شود)، ۰/۷۸، ۰/۶۲ و ۰/۷۷ به دست آمد. در پژوهش حاضر، کل ضریب آلفای کرنباخ برابر با ۰/۹ و ضریب آلفای خرده مقیاس رضایتمندی زناشویی نیز برابر با ۰/۷۹ است که حاکی از اعتبار مناسب آزمون می باشد.

● یافته ها

شاخص های توصیفی نمرات میانگین، انحراف معیار و خطای معیار متغیرها بر اساس جنسیت در جدول ۱ ارائه می شود. با توجه به این جدول، چنانچه مشاهده می شود نمره مردان در مقیاس رضایتمندی بیش از زنان و نمره میانگین هر دو جنس

در نقش جنسیتی مرتبط با جنسیتشان بیش از میانگین آن ها در خرده مقیاس نقش جنسیتی وابسته به جنس مخالف می باشد.

جدول ۱. آماره های توصیفی متغیرهای پژوهش بر اساس جنسیت

شاخص ها گروه	متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	خطای استاندارد
مرد	رضایت	۳۷/۲۱	۵/۹۳	۰/۴۷۱
	مردانگی	۵/۱۸	۰/۷۰۷	۰/۰۵۳
	زنانگی	۴/۷۵	۰/۵۶	۰/۰۴۲
	اطلاعاتی	۲۸/۳۲	۳/۴۹	۰/۲۵
	هنجاری	۱۸/۳۱	۳/۹	۰/۲۸۱
	سردرگم	۲۲/۷۴	۵/۰۷	۰/۳۶۵
زن	رضایت	۳۴/۸۵	۶/۱۱	۰/۴۹۱
	مردانگی	۴/۷	۰/۷۵۹	۰/۰۵۸
	زنانگی	۵	۰/۵۱۳	۰/۰۳۷
	اطلاعاتی	۲۸/۳	۳/۲۲	۰/۲۳۲
	هنجاری	۱۸/۱۱	۳/۷۶	۰/۲۷۱
	سردرگم	۲۲/۵۳	۴/۶۵	۰/۳۳۷

جهت بررسی تفاوت شرکت کنندگان مرد و زن در متغیرهای پژوهش، از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شده، که نتیجه آن در جدول ۲ آمده است. بر اساس اطلاعات ارائه شده در این جدول، از آنجا که مقادیر F گزارش شده ($۰/۱/۴۴$) با توجه به سطح معناداری ارائه شده ($p < ۰/۰۱$) معنادار است، بنابراین از نظر متغیرهای مورد بررسی تفاوت معناداری میان دو گروه وجود دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون تحلیل واریانس چند متغیره

مقدار	F	درجه آزادی فرضیه	درجه آزادی خطا	سطح معناداری	
۰/۲۱۱	۱۰/۴۴	۶	۲۳۴	۰/۰۱	اثر پیلایی
۰/۷۹۸	۱۰/۴۴	۶	۲۳۴	۰/۰۱	لامبدای ویکلز
۰/۲۶۸	۱۰/۴۴	۶	۲۳۴	۰/۰۱	اثر هتلینگ

به منظور بررسی تفاوت های مشاهده شده، اثرات بین گروهی متغیرهای تحقیق را مورد تجزیه و تحلیل قرار می دهیم. با توجه به آنچه در جدول ۳ ارائه شده است و با در نظر گرفتن مقادیر F و سطح معناداری ($p < 0.01$)، می توان گفت بین شرکت کنندگان زن و مرد از نظر میزان رضایت زناشویی، زنانگی و مردانگی تفاوت معنادار وجود دارد. این در حالی است که میان دوگروه از نظر سبک هویتی تفاوت معناداری وجود ندارد.

جدول ۳. نتایج آزمون اثرات بین گروهی متغیرهای وابسته در میان شرکت کنندگان مرد و زن

شاخص ها متغیر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	F	سطح معناداری
رضایت	۴۲۲/۷	۱	۱۰/۹۹	۰/۰۱
اطلاعاتی	۵/۵۷	۱	۰/۵۰۸	۰/۴۷۷
هنجاری	۱۷/۷۸	۱	۱/۱۹	۰/۲۵۶
سردرگم	۰/۳۸۶	۱	۰/۰۱۶	۰/۸۹۸
مردانگی	۱۱/۱۵	۱	۲۴/۱۹	۰/۰۱
زنانگی	۴/۷۷	۱	۱۵/۴۸	۰/۰۱

در جدول ۴ ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد بررسی، فارغ از جنسیت آزمودنی های پژوهش ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می شود بین رضایت زناشویی و سبک هویت اطلاعاتی و همچنین بین رضایت زناشویی و مردانگی رابطه مستقیم معنادار وجود دارد، این روابط به ترتیب دارای ضرایب همبستگی ۰/۲۳۷ در سطح معناداری $p < 0.01$ و ۰/۱۴۴ در سطح معناداری $p < 0.05$ می باشد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیرها	رضایت	اطلاعاتی	هنجاری	سردرگم	مردانگی	زنانگی
رضایت						
اطلاعاتی	۰/۲۳۷**					
هنجاری	۰/۰۶۹	۰/۰۱۳				
سردرگم	-۰/۲۴۵**	-۰/۳۷۶**	۰/۳۲۶**			
مردانگی	۰/۱۴۴*	۰/۲۱۹**	۰/۰۴۳	-۰/۰۷۱		
زنانگی	۰/۰۷۳	۰/۲۴۴**	۰/۱۶۱**	۰/۰۲۳	۰/۰۹۶	

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$

در حالی که میان رضایت زناشویی و سبک هویت سردرگم رابطه منفی معنادار (۰/۲۴۵-) در سطح معناداری $p < 0/01$ وجود دارد. همچنین داده‌ها نشان دهنده رابطه مستقیم معنادار، بین نقش‌های جنسیتی زنانه و مردانه با سبک هویت اطلاعاتی در سطح معناداری $p < 0/01$ است. بین زنانگی و سبک هویت هنجاری نیز ضریب همبستگی ۰/۱۶۱ در سطح معناداری $p < 0/01$ به دست آمد.

در جدول ۵، ضرایب همبستگی متغیرهای پژوهش به تفکیک جنسیت نشان داده شده، به طوری که در قسمت بالای قطر ماتریس نمرات مربوط زنان و در پایین آن، نمرات مربوط به مردان ارائه شده است. همان طور که ضرایب جدول ۵ نشان می دهد، در میان شرکت کنندگان مرد، بین رضایت زناشویی و سبک هویت اطلاعاتی رابطه مستقیم معنادار وجود دارد و همبستگی این دو در سطح معناداری $p < 0/01$ برابر با ۰/۲۹۷ است. در حالی که بین رضایتمندی و سبک هویت سردرگم رابطه منفی معنادار، با ضریب همبستگی ۰/۲۶۳- در سطح معناداری $p < 0/01$ بدست آمده است. همچنین بین نقش جنسیتی زنانگی و رضایتمندی، رابطه مستقیم معنادار در سطح معناداری $p < 0/05$ وجود دارد. بین نقش‌های جنسیتی زنانگی و مردانگی با سبک هویت اطلاعاتی نیز، رابطه مستقیم معنادار در سطح معناداری $p < 0/01$ به ترتیب با ضرایب همبستگی ۰/۴۱۳ و ۰/۲۷۶ دیده می شود.

جدول ۵. ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد بررسی در دو جنس

(نمرات بالای قطر ماتریس مربوط به زنان و نمرات پایین قطر ماتریس مربوط به مردان است)

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۱ رضایت		-۰/۰۱	۰/۰۵۱	۰/۱۷*	۰/۱۵۷	-۰/۲۳۹**
۲ اطلاعاتی	۰/۱۶۴		۰/۱۱۲	۰/۱۷۱*	۰/۰۹۳	-۰/۰۲۳
۳ هنجاری	۰/۱۹۵*	۰/۲۴۵**		۰/۰۷۱	۰/۲۶**	۰/۰۳۹
۴ سر درگم	۰/۲۹۷**	۰/۲۷۶**	۰/۴۱۳**		۰/۱۴	-۰/۳۹۶**
۵ مردانگی	-۰/۰۳۷	-۰/۰۲۷	۰/۰۸۳	-۰/۰۹۹		۰/۲۷۶**
۶ زنانگی	-۰/۲۶۳**	-۰/۱۳۱**	۰/۰۱۲	-۰/۳۶**	۰/۳۶۹**	

**p<0/5 *p<0/1

همچنین جدول داده‌ها، بین نقش جنسیتی مردانگی و سبک هویت سردرگم رابطه منفی معنادار با ضریب همبستگی ۰/۱۳۱- در سطح معناداری $p < 0/01$ نشان می دهد. ضرایب همبستگی میان متغیرهای مورد بررسی در میان شرکت کنندگان زن، با توجه به

اطلاعات جدول، نشان می دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و رضایتمندی رابطه مستقیم معنادار در سطح $p < 0/05$ با ضریب همبستگی $0/17$ وجود دارد. در حالی که بین سبک هویت سردرگم و رضایتمندی رابطه منفی معنادار در سطح $p < 0/01$ با ضریب همبستگی $0/239$ بدست آمده است. بین نقش جنسیتی مردانگی و اطلاعاتی و همچنین بین نقش جنسیتی زنانگی و هنجاری به ترتیب رابطه مستقیم معنادار در سطوح معناداری $p < 0/05$ و $p < 0/01$ وجود دارد.

با توجه به جدول ۶، بیشترین فراوانی در گروه زوجین با رضایتمندی بالا، متعلق به سبک اطلاعاتی و بیشترین فراوانی در گروه زوجین با رضایتمندی پایین، متعلق به سبک سردرگم است.

جدول ۶. فراوانی شرکت کنندگان در سطوح مختلف متغیرهای رضایت و هویت و نتایج آزمون خی دو

شاخص ها / گروه	فراوانی	هنجاری	اطلاعاتی	سردرگم	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
رضایت بالا	مشاهده شده	۷	۱۵	۴	۱۰/۳۳	۲	۰/۰۰۶
	مورد انتظار	۴/۸	۱۱/۳	۱۰			
رضایت پایین	مشاهده شده	۴	۱۱	۱۹			
	مورد انتظار	۶/۲	۱۴/۷	۱۳			

در جدول ۷، با توجه به مقدار خی دو و سطح معناداری گزارش شده، می توان گفت بین فراوانی مشاهده شده و مورد انتظار، تفاوت معناداری وجود ندارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت که بین نقش جنسیتی زوجین با رضایت بالا و پایین تفاوتی وجود ندارد.

جدول ۷. فراوانی شرکت کنندگان در سطوح مختلف متغیرهای رضایت و نقش جنسی و نتایج آزمون خی دو

شاخص ها / گروه	فراوانی	زنانگی	مردانگی	دوجنسیتی	خی دو	درجه آزادی	سطح معناداری
رضایت بالا	مشاهده شده	۸	۱۷	۹	۵/۱۴	۲	۰/۰۷۶
	مورد انتظار	۱۱/۳	۱۳	۹/۶			
رضایت پایین	مشاهده شده	۱۲	۶	۸			
	مورد انتظار	۸/۷	۱۰	۷/۴			

● بحث و نتیجه گیری

○ با توجه به هدف اصلی پژوهش که تعیین رابطه سبک های هویت و نقش های جنسیتی زوجین با رضایتمندی زناشویی است، نقش جنسیتی زنانگی با سبک های هویت هنجاری و اطلاعاتی و همچنین نقش جنسیتی مردانگی با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مستقیم و معناداری دارد. جهت تفسیر این روابط، نیاز است که آن ها در دو گروه زنان و مردان به صورت مجزا بررسی شوند.

○ در گروه مردان، نقش جنسیتی مردانگی با سبک هویت اطلاعاتی رابطه مستقیم و با سبک هویت سردرگم رابطه معکوس دارد. همچنین بین نقش جنسیتی زنانگی و سبک هویت اطلاعاتی نیز ارتباط مستقیمی مشاهده می شود. با توجه به مباحث نظری مطرح شده، می توان تبیین کرد، مردی که خلاف نرم های اجتماعی از صفات سنتی مردانگی عدول می کند و تا حدودی خصیصه های سنتی زنانگی را در خود درونی می کند، دارای سبک هویت اطلاعاتی غالب است چرا که این اشخاص تمایل دارند فارغ از پیام ها و تشویق های اجتماعی نقش های جنسیتی خود را تنظیم کنند.

○ یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد، در گروه زنان، بین سبک اطلاعاتی و نقش جنسیتی مردانگی و همچنین بین نقش جنسیتی زنانگی و سبک هویت هنجاری، رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد. با توجه به مطالب فوق می توان چنین تفسیر کرد که صفات زنانگی بالا در یک زن، نشان دهنده میزان بالای همنوایی او با کلیشه های جنسیتی و در نتیجه دارا بودن سبک هویت هنجاری غالب است، در حالی که شکستن مرزهای سنتی نقش های جنسیتی از جانب زنان، بیان گر هنجار شکنی و غالب بودن سبک هویت اطلاعاتی است.

○ نتایج پژوهش حاضر به طور کلی نشان می دهد، رضایت زناشویی با سبک هویت اطلاعاتی، رابطه مستقیم و با سبک هویت سردرگم، رابطه معکوس دارد و روابط مذکور به طور اخص میان دو گروه زن و مرد نیز مشاهده می شود. این یافته بر اساس نظریه/ریکسون (۱۹۶۸) قابل تبیین است. او مطرح می کند که شخصیت در هر مرحله باید با یک بحران خاص رو برو شود و تنها هنگامی که بحرانی به طور مثبت حل شود، در شخصیت، یک رشد بهنجار، همراه با توان رویارویی با مرحله بحرانی بعد آشکار

می‌شود. (اریکسون، ۱۹۶۳ به نقل از کوک و جونز، ۲۰۰۲). یافته های پژوهش بهادری خسروشاهی و باباپور خیرالدین (۱۳۹۱) نیز نشان می‌دهد که بین سبک هویت اطلاعاتی و شادکامی رابطه مستقیم و بین سبک هویت اجتنابی و شادکامی رابطه معکوس وجود دارد.

○ به طور کلی در یافته‌های پژوهش، بین نقش جنسیتی مردانگی و رضایتمندی زناشویی، رابطه مستقیم مشاهده می‌شود، اما به طور اخص نشانگر آن است که در گروه مردان بین نقش جنسیتی زنانگی و رضایتمندی زناشویی رابطه مستقیم وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های ایکز (۱۹۹۳)، هاستون و هاوتس (۱۹۹۸)، فالکنر (۲۰۰۲)، آماتو و بوث (۱۹۹۵) به نقل از فالکنر، (۲۰۰۲)، گارسیا و همکاران (۲۰۰۷) و سویتینگ و همکاران (۲۰۱۳) همسو است.

○ در گروه زنان، بین نقش‌های جنسیتی و رضایتمندی، رابطه معنادار حاصل نشد که این امر خلاف یافته‌های گارسیا و همکاران (۲۰۰۷) و هافمن (۲۰۰۰)، مبنی بر این است که بین خصایص مردانگی و رضایتمندی در زنان رابطه معکوس وجود دارد، می‌باشد. عدم رابطه بین نقش‌های جنسیتی و رضایتمندی در زنان، می‌تواند به این معنی باشد که رضایتمندی زنان بیشتر از آن که بسته به نقش جنسیتی خودشان باشد، بسته به نقش جنسیتی ای است که همسرانشان دارا هستند. چنانچه هاستون و هاوتس (۱۹۹۸) نیز گزارش می‌کنند که زنان دارای شوهرانی با شخصیت بیانگر، همسرانشان را افرادی مهربان ارزیابی می‌کنند و بیشتر از ازدواجشان احساس رضایت دارند.

○ از یافته‌های دیگر پژوهش این است که بین شرکت‌کنندگان زن و مرد از نظر میزان رضایتمندی، زنانگی و مردانگی تفاوت معناداری وجود دارد. همچنین نتایج نشان دادند که بین دو گروه، از نظر سبک‌های هویت تفاوت معناداری وجود ندارد. این یافته‌ها با پژوهش برزونسکی و کوک (۲۰۰۵) و اسکندری و شکرایی (۱۳۸۰) همسو و با پژوهش‌های برمن و همکاران (۲۰۰۱)، بوید و همکاران (۲۰۰۳)، حجازی و فرتاش (۱۳۸۵)، آقاجانی، فرزاد و شهرآرای (۱۳۸۷) و بیرامی (۱۳۸۹) ناهمسو است. یافته حاضر با نتایج پژوهش‌های عبدی (۱۳۷۹)، ظهره‌وند (۱۳۸۰)، آثریر (۱۳۸۵) و خسروشاهی و همکاران (۱۳۸۹) هم راستا است.

○ در پاسخ به این سؤال پژوهش که آیا بین سبک های هویت و نقش های جنسیتی همسران در زوج های با رضایتمندی پایین و بالا تفاوت وجود دارد یا خیر، نتایج نشان داد که در بین زوجین با رضایتمندی بالا، بیشترین فراوانی متعلق به سبک هویت اطلاعاتی و کمترین فراوانی به سبک هویت سردرگم تعلق دارد. همچنین در رضایتمندی پایین، بیشترین فراوانی به هویت سردرگم اختصاص می یابد. یافته های مرزونیبول (۲۰۱۳) نشان می دهد شکل گیری و رشد هویت تأثیر بسزایی بر رضایتمندی افراد از زندگی دارد. وی معتقد است هر چه افراد در شکل دهی هویت خود به طور موفق تری عمل کنند، میزان بالاتری از سلامتی را تجربه خواهند کرد. یافته های پژوهش، تا حدودی با نتایج پارسونز و همکارانش (۲۰۰۷) همسو است. این نتایج با یافته ایگز (۱۹۹۳) مبنی بر اینکه نقش های دو جنسیتی برای هر دو جنس رضایتمندی بیشتری را به همراه دارد، ناهمسو است. او گزارش می کند زوجینی که هر دو دو جنسیتی هستند، موفقیت قابل توجهی در برقراری ارتباط و حل مسئله با همسرانشان دارند. هاستون و هاوتس (۱۹۹۸) نیز گزارش می کنند که شوهرانی با شخصیت بیانگر، از دید همسرانشان افرادی مهربان ارزیابی می شوند و این زوجین بیشتر عاشقاند و بیشتر از ازدواجشان احساس رضایت می کنند و هنگامی که زنان چنین شخصیتی را دارند، شوهرانشان تعارض کمتری را گزارش می دهند.



یادداشت ها

- | | |
|-----------------------|-----------------------------------|
| 1. gender | 5. gender schema theory |
| 2. identity styles | 6. Bem Sex Role Inventory (BSRI) |
| 3. social role theory | 7. Identity Style Inventory (ISI) |
| 4. self-theory | 8. Enrich Couple Scale (ECS) |

● منابع

- آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۸). عدالت جنسیتی و اشتغال. *مطالعات زنان*. ۴۶، ۱۱۶-۸۱
- آژیر، لیلا. (۱۳۸۵). *باورهای جنسیتی، ابراز وجود و سلامت اجتماعی دانش آموزان پایه دوم دبیرستان شهرستان سنندج*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.

- اسکندری، حسین؛ شکرایی، زهرا. (۱۳۸۰). بررسی و مقایسه پایگاه‌های هویت در میان دختران و پسران دانشجوی. *مطالعات زنان*، ۲(۵)، ۸۷-۱۱۰.
- آسوده، محمدحسین. (۱۳۸۹). *عوامل مؤثر بر ازدواج موفق؛ از دیدگاه زوجین خوشبخت*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- آفاجانی، محمد حسن؛ فرزاد، ولی اله؛ شهرآرای، مهرناز. (۱۳۸۷). مقایسه سبک‌های هویت دانشجویان دانشگاه‌های دولتی شهر تهران بر اساس جنسیت، رشته تحصیلی و بومی و غیربومی بودن. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، ۱۰(۳۸)، ۱۳۵-۱۶۴.
- بهادری خسروشاهی، جعفر؛ باباپور خیرالدین، جلیل (۱۳۹۱). رابطه ی سبک های هویتی و کمال گرایی با احساس شادکامی در دانشجویان. *مجله روانشناسی*، ۶۱، ۱۶ (۱)، ۳۷-۵۰.
- بیرامی، منصور. (۱۳۸۹). مقایسه سبک‌های هویت، انواع هویت دردانشجویان دختر و پسر. *فصلنامه علمی پژوهشی روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۵(۲۰)، ۲۱-۴۱.
- حجازی، الهه؛ فرتاش، سهیلا. (۱۳۸۵). تفاوت‌های جنسیتی در سبک‌های هویت، تعهد هویت و کیفیت دوستی. *پژوهش زنان*، ۴(۳)، ۶۱-۷۶.
- خسروشاهی، پریسا؛ حجازی، الهه؛ اژه ای، جوادی؛ غباری بناب، باقر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه باورهای جنسیتی، رضایتمندی روانی و عملکرد تحصیلی در دانش‌آموزان سرآمد و عادی. *مجله روانشناسی*، ۵۵، ۱۴(۳)، ۲۴۶-۲۶۵.
- خمسه‌ای، اکرم. (۱۳۸۳). طرح بررسی مقدماتی طرحوارهای نقش جنسیتی به منظور هنجاریابی مقدماتی پرسشنامه نقش جنسیتی بم و تدوین پرسشنامه نقش جنسیتی بر اساس معیارهای فرهنگی ایران. پژوهشکده‌ی زنان، برگرفته از سایت <http://www.alzahra.ac.ir/persian/WRC/WRC/P22.htm>
- رحیمی‌نژاد، عباس؛ یزدانی ورزنه، محمد جوادی؛ امانی، حبیب؛ فراهانی، حجت اله (۱۳۸۹). بررسی ویژگی‌های سنجشی نسخه‌ی چهارم پرسشنامه‌ی سبک‌های هویت (ISI-4). *مجله علوم روانشناختی*، ۹(۳۶)، ۴۰۵-۴۱۸.
- ظهروند، راضیه. (۱۳۸۱). *بررسی رابطه ادراک از نقش جنسیتی و رضایت از جنس با انگیزش پیشرفت در دانش‌آموزان دختر و پسر سال سوم دبیرستان، طرح پژوهش، پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت*.
- عبدی، بهشته. (۱۳۸۰). بررسی رابطه بین نقش‌های جنسیتی، وضعیت‌های هویت شغلی با ترس از موفقیت دانشجویان دختر و پسر سال ۴ رشته‌های فنی و مهندسی دانشگاه‌های دولتی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
- مرکز آمار ایران (۸۸۳۱). برگرفته از سایت www.sci.org.ir

- Bem, S. L. (1981). Gender schema theory: A cognitive account of sex typing. *Psychological Review*, 88(4), 354-364.
- Bem, S. L. (1983). Gender schema theory and its implication for child development: Raising gender schematic children in a gender-schematic society. *Signs*, 8(4), 598-616.
- Berman, A. M., Schwartz, S. J., Kurtines, W. M. & Berman, S. L. (2001). The process of exploration in identity formation: The role of style and competence. *Journal of Adolescence*, 24, 513-528.
- Berzonsky, M. D. (1989). Identity style: Conceptualization and measurement. *Journal of Adolescent Research*, 4, 268-282.
- Berzonsky, M. D. (1990). Self-construction over the life-span: A process perspective on identity formation. In G. J. Neimeyer & R.A. Neimeyer (Eds), *Advances in personal construct theory* (vol. 1, pp.155-186). Greenwich, CT: JAI Press.
- Berzonsky, M. D. (1994). Self-identity: The relationship between process and content. *Journal of Research in Personality*, 28, 453-460.
- Berzonsky, D.M. (2004). Identity processing style, self-construction, and personal epistemic assumption: A social-cognitive perspective. *European Journal of Developmental Psychology*, 1(4), 303-315.
- Berzonsky, M. D. & Adams, G. R. (1999). Commentary reevaluating the identity status paradigm: Still useful after 35 years. *Developmental Review*, 19, 557-590.
- Berzonsky, M. D. & Kuk, L. S. (2000). Identity status, identity processing style, and the transition to university. *Journal of Adolescent Research*, 15, 81-98.
- Berzonsky, M.D., & Kuk, L.S. (2005). Identity style, psychological maturity, and academic performance. *Personality and Individual Differences*, 39, 235-247.
- Boyd, V. S., Hunt, P.F., Kandell, J.J., & Lucas, M.S. (2003). Relationship between identity processing style and academic success in undergraduate students. *Journal of College Student Development*, 44(2), 155-167.
- Cameron, E. J & Lalonde, N. R. (2001). Social identification and gender-related ideology in women and men. *British Journal of Social Psychology*, 40, 59-77.
- Cook, J. L. & Jones, R. M. (2002). Congruency of identity style in married couples. *Journal of Family Issues*, 23, 912-926.
- Crawford, M. & Unger, R. (2004). *Women and gender: A feminist psychology* (4th Ed). McGraw-Hill Companies.
- Dunkel, C. S. (2000). Possible selves as a mechanism for identity exploration. *Journal of Adolescence*, 23, 519-529.
- Eagly, A. H. (1987). Differences in social behavior: A social role analysis. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Erikson, E. H. (1986). *Identity: Youth and crisis*. New York: Norton.
- Etaugh, A. C. & Bridges, S. J (2001). *The psychology of women: A lifespan perspective*. Allyn & Bacon.
- Faulkner, A. R. (2002). *Gender-related influences on marital satisfaction and marital conflict over time for husbands and wives*. Ph.D thesis. The University of Georgia.

- Fowers, B. J. & Olson, D. H. (1989). Enrich Marital Inventory: A discriminant validity and cross-validity assessment. *Journal of Marital and Family Therapy*. 15 (1), 65-79.
- Garcia, A. O., Calcaneo, L. M., Soto, V. S. & Delara, M. R. (2007). Correlation between masculinity and femininity traits and marital satisfaction among Mexican immigrants. *Migracion Y Desarrollo*. 47-63.
- Hoffman, R. M., Borders, L. D. & Hattie, J. A. (2000). Reconceptualizing femininity and masculinity: From gender roles to gender self-confidence. *Journal of Social Behavior & Personality*. 15, Fascicule 4.
- Huston, T. L., & Houts, R. M. (1998). The psychological infrastructure of courtship and marriage: The role of personality and compatibility in romantic relationships. In T. E. Bradbury, T. N. (Ed.). *The developmental course of marital dysfunction*. Cambridge: University Press.
- Ickes, W. (1993). Traditional gender roles: Do they make, and then break, our relationships? *Journal of Social Issues*, 49, 71-85.
- McCallum, D. & Delashmutt, G. (1996) «Men, women, and gender roles in marriage», *Xenos christian fellowship*, Retrieved from <http://www.xenos.org/books/mythmw.htm>. february 27, 2012.
- McCreary, D. R., Wong, F. Y., Wiener, W., Carpenter, K. M., Engle, A., & Nelson, P. (1996). The relationship between masculine gender role stress and psychological adjustment: A question of construct validity. *Sex Roles*, 34, 507-516.
- Morsunbul, U. (2013). An investigation of the relation between agency, Identity formation and life satisfaction in adolescent period. *The Journal of Psychiatry and Neurological Sciences*. 26:164-170.
- Parsons, R. N., Nalbone, D. P. & Killmer, J. M. (2007). Identity development, differentiation, personal authority, and degree of religiosity as predictors of interfaith marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*. 35, 343-361.
- Philips, T. M. & Pittman, J. F. (2007). Adolescent psychological well-being by identity style. *Journal of Adolescence*. 30, 1021-1034.
- Sanchez-Lopez, M., D., P., Cuellar-Flores, I. & Dresch, V. (2012). The impact of gender roles on health. *Women and Health*. 52:182-196.
- Sweeting, H., Bhaskar, A., Benzeval, M., Poham, F. & Hunt, K. (2013). Changing gender roles and attitudes and their implications for well-being around the new millennium. *Soc Psychiatry Psychiatr Epidemiol*. DOI 10.1007

